

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۰ جولای ۲۰۲۰

## بازی استخباراتی پاکستان با طالب!

۲

یکشنبه- ۲۹ سرطان ۱۳۹۹ - کابل:

۷- اوضاعی را که باندهای خلق و پرچم با کاشتن شجره خبیثه نفاق و برادر کشی بین تمام اقوام افغانستان حتا در درون قوم پشتون به وجود آورد، زمینه و فرصتی را مساعد ساخت تا پاکستان به مثابه وارث بحق استعمار انگلیس، دخالتش را در امر به اصطلاح "جهاد در افغانستان" شکل و محتوای دیگری بخشیده، در حالی که کارد "آی. اس. آی" را بر گلوی تمام اقوام افغانستان اعم از تاجیک، ازبیک، پشتون، هزاره و ... می فشرد از طریق دادن امتیازات همجانبه به خصوص تسلیحاتی، پولی و اداری، انسان های فاقد شخصیتی از درون شاخه "غلجائی" قوم پشتون از قماش "گلبدین" ها، "سیاف" ها، "مولوی نبی" ها و ... را مورد نوازش قرار داده آنها را به مانند گرگان وحشی به جان قاطبه ملت افغانستان من جمله شاخه درانی قوم پشتون انداخت.

علت این که چرا پاکستان به چنین سیاست رذیلانه ای دست یازید، کاملاً روشن است. چه علی رغم این که طبقات حاکمه تمام اقوام انسان هائی فاقد وجدان ملی اند و برای شان فقط حفظ منافع طبقاتی خودشان اهمیت دارد نه چیز دیگری، اسکان درصد بیشتر شاخه غلجائی قوم پشتون در پاکستان و بخشهایی از ولایات پکتیا، خوست و پکتیکا، ارتجاع مذهبی- نظامی پاکستان و استخبارات نظامی آن کشور را امیدوار ساخته بود و است که حین تشدید اختلافات بین پاکستان و افغانستان تا سرحد بازنگری مرزها، بتواند بر روی آنها حساب نموده، افغانستان را به طرف تجزیه سوق دهند. از همین رو دولت پاکستان و استخبارات نظامی آن کشور در تمام دوران جهاد، بسیار آگاهانه از نفوذ و و رشد نفوذ سایر اقوام من جمله شاخه درانی قوم پشتون ممانعت به عمل آورده، تمام تخمهایش را در سبد خاینان شاخه غلجائی قوم پشتون گذاشت.

۸- اوج این سیاست زمانی خود را نمایان ساخت که پاکستان تصمیم گرفت، طالب را زیر رهبری "ملا عمر" به قدرت برساند. "ملا عمر" که به اساس تعلقش به شاخه "هوتکی" قوم غلجائی از جانب پاکستان برگزیده شده بود، در دوام سیاست های انحصارطلبانه، زورگویانه و مستبدانه "تره کی، امین، نجیب، گلبدین و سیاف" که تمام آنها از لحاظ تباری به شاخه غلجائی تعلق داشتند، مجری همان سیاست هائی گردید که پاکستان می خواست، سیاست تفرقه بین اقوام پشتون، سیاست تفرقه و زور گوئی بر تمام اقوام غیر پشتون ساکن افغانستان.

۹- زمانی که امپریالیسم امریکا و شرکاء بر افغانستان لشکر کشیدند و دولت دست نشانده و مزدوری را بنیان گذاشتند، در عین حالی که گوشه چشمی به طبقات حاکمه شاخه های متعدد غلجائی داشتند، به علت فضای جنگی و تخریش و تخریب شده بین اقوام ساکن افغانستان و جهت کاهش درگیری های درون قومی و تباری، "حامدکزی" را که متعلق به شاخه "درانی" بود و خواندیم که قاعدتاً افغانستان را مال تمام باشندگان آن می دانند و نزدیکی و تساهل بین اقوام را از زمان تشکیل امپراتوری درانی سرلوحه کارشان قرار داده بودند، بر اریکه قدرت نشاندهند. تا ضمن کاستن از حدت تضاد ها، امکان خلع سلاح سایر اقوام را که در مبارزه علیه طالب خود را مسلح ساخته بودند، به امید رسیدن به یک زندگی باهمی فراهم بسازد.

تعقیب سیاست گذشت و مسامحه، زمینه آن را به وجود آورد تا در کنار ارتقای سقف توقعات سایر اقوام، غلجائی ها نیز هم در وجود طالب و هم در وجود افرادی از قماش "غنی احمدزی" در داخل حاکمیت، مجدداً دهل دوسره انحصار طلبی و زورگویی را بر گردن بیاویزند و به غیر از خود، بقیه اقوام ساکن کشور را بیگانه دانسته بسیار رذیلانه از اخراج قهری آنها از افغانستان یاد نمایند.

۱۰- فشار مضاعف امریکا بر پاکستان و کاستن از کمکهایش علیه آن کشور، باعث شد تا پاکستان زیر فشار امریکا موقتاً جناح انحصار طلب طالب، یعنی "ملا عمر هوتکی-غلجائی" را از صحنه بردارد و در عوض با آوردن مولوی "منصور" و به تعقیب وی ملا "هیبت الله"، برای نخستین بار از زمان حاکمیت مزدوران روس به بعد امکان، رهبری قوم درانی را مجدداً فراهم سازد.

با روی کار آمدن "ترمپ" و تلاش وی جهت نجات کشورش از باتلاق افغانستان، همه شاهد هستیم که "درانی" ها با داشتن اکثریت در رهبری طالب، علی رغم فشارهای دولت پاکستان و استخبارات نظامی آن کشور، حاضر شدند روی صلح و تقسیم قدرت با سایر اقوام به بحث بنشینند، در حالی که از طرف دیگر مناقشه یعنی دولت دست نشانده که "غنی احمدزی" مربوط شاخه "غلجائی" آن را رهبری می کند، کار شکنی علیه هر گونه مصالحه آغاز یافت.

۱۱- در چنین فضائیت که پاکستان باز هم طالب را زیر فشار قرار می دهد و ضمن آن چند تن از افراد جدید را که همگی از شاخه های متعدد قوم غلجائی اند، به دفتر قطر مقرر می دارد تا به زعم خودشان توازن بین "درانی" و "غلجائی" را بر قرار ساخته بتوانند، ملا "محمد یعقوب" پسر ملا "محمد عمر" غلجائی را به حیث مسئول نظامی طالب مقرر می نماید، به آنهام اکتفاء نمی نماید از زبان قومندانهای مربوط به "حقانی" رسماً اعلام می دارند که خود را بیشتر از آن که تابع دستورات "ملا غنی برادر" درانی و ملا "هیبت الله" درانی بدانند و از برنامه های مصالحه آنها اطاعت نمایند، تابع دساتیر فامیل "حقانی" غلجائی که بر طبل جنگ همیشه نواخته و با زهم می نوازند، می دانند.  
هموطنان گرامی!

در افغانستان اشغال شده و مستعمره، این کشور های اشغالگر و استعمارگر اند که به موازات تعیین سیاست، مهره های اجرائی آن را انتخاب می نمایند، خود افراد انتخاب شده، چیزی بیشتر از از یک پیاده شطرنج ارزش ندارند.

**مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!**

**سرکها ما را می طلبند!**